



سوره مبارکه یونس

جلسه چهارم: ۹۲/۸/۱۴

- آیات این سوره را می‌توان زمینه‌ساز ماجرای کربلای امام حسین (علیه‌السلام) دانست. زیرا این سوره در نهایت برگشت به این مسئله دارد که یک انسان و حیانی در جامعه مورد پذیرش قرار نمی‌گیرد.
- به همین علت ریشه‌ها، آفت‌های اجتماعی و سیره‌های غلطی را از این سوره می‌توان استخراج کرد که در یک جامعه باب می‌شود و موجب رقم خوردن اتفاقی مانند کربلا می‌شود.
- وقتی اضطرارهای جامعه جابه‌جا شود موضوعات آخرتی به سمت موضوعات دنیایی می‌چرخند و افراد در اضطرار به یاد خدا می‌افتند و در عدم اضطرار خدا را فراموش می‌کنند.
- کربلا از ما دور نیست زیرا امروزه ما به جای انسان‌های سال ۶۱ هجری، خلیفه روی زمین شده‌ایم و به اندازه‌ای که آن صفت‌ها در ما یا جامعه‌مان جاری باشد ما هم با آنها هم سنخیم و به اندازه‌ای، که هم سنخ نباشیم، در یاری امام حسین (علیه‌السلام) شریکیم. آنها نشسته‌اند تا ببینند که ما چه می‌کنیم؟

- ادامه آیات:

حضرت علامه آیات ۱۵ تا ۲۵ را دسته سوم آیات در نظر گرفته‌اند:

دسته سوم آیات ۱۵ تا ۲۵:

<p>وَ إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا انْتِ بِرَعَاءٍ غَيْرِ هَٰذَا اَوْ بَدَّلْتُمْ لِيَ آيَاتِنَا كَذِبًا لِيَا۟تِيَنَا يَوْمَ الْعَذَابِ اَلْحَمِي۟مِ (۱۵)</p> <p>و چون آیات ما که روشنگر است بر آنها خوانده می‌شود، آنها که دیدار ما را باور ندارند می‌گویند: قرآنی غیر از این بیاور یا آن را عوض کن، بگو: مرا نمی‌رسد آن را از پیش خود عوض کنم، من جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم. اگر پروردگارم را نافرمانی کنم از عذاب روزی بزرگ می‌ترسم.</p>
<p>قُلْ لَوْ شَاءَ اللّٰهُ مَا تَلَوْتُمْ عَلَي۟كُمۡ وَا لَا اُذِرۡكُمۡ بِهٖ فَعَدۡتُمۡ لِبٰٔتِهٖ فَيُكۡفِمۡ عَمۡرًا مِّنۡ قَبۡلِهٖ اَوْ فَلَآ تَعۡقِلُوۡنَ (۱۶)</p> <p>بگو: اگر خدا می‌خواست آن را بر شما نمی‌خواندم و [خدا هم] شما را بدان آگاه نمی‌کرد. همانا پیش از این در میان شما عمری زندگی کرده‌ام، چرا تعقل نمی‌کنید؟</p>
<p>فَمَنۡ اَظۡلَمۡ مِمَّنۡ اٰفۡرَىٰ عَلٰٓی اللّٰهِ كَذِبًا اَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهٖ اِنَّهٗ لَ اَفۡلَحُ الْمَجۡرِمُوۡنَ (۱۷)</p> <p>پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بگوید یا آیات او را تکذیب کند؟</p>
<p>وَ يَعۡبُدُوۡنَ مِنۡ دُوۡنِ اللّٰهِ مَا لَا يَضُرُّهُمۡ وَا لَا يَنۡفَعُهُمۡ وَا يَقُوۡلُوۡنَ هٰۗؤُلَآءِ شُفَعَاۗؤُنَا عِنۡدَ اللّٰهِ قُلْ اَتُتَّبِعُوۡنَ اللّٰهَ بِمَا لَا يَعۡلَمُ فِی السَّمٰوٰتِ وَا لَآ فِی الْاَرۡضِ سُبۡحٰنَهٗ وَ تَعۡلٰی عَمَّا يُشۡرِكُوۡنَ (۱۸)</p> <p>و غیر از خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه سودشان می‌رساند و نه زیان، و می‌گویند:</p>
<p>وَ مَا كَانَ النَّاسُ اِلَّا اُمَّةً وَّاحِدَةً فَاخۡتَلَفُوۡا وَا لَوۡ لَا كَلِمَةٌ سَبَقَتۡ مِنۡ رَّبِّكَ لَفَضٰی بَیۡنَهُمۡ فِیۡمَا فِیۡهِ يَخۡتَلَفُوۡنَ (۱۹)</p> <p>و مردم جز یک امت نبودند، پس اختلاف کردند. و اگر پیش‌تر حکم [مهلت] از جانب پروردگارت صادر نشده بود، قطعاً در آنچه بر سرش اختلاف دارند میانشان فیصله داده شده بود [و همگی هلاک می‌شدند].</p>
<p>وَ يَقُوۡلُوۡنَ لَوۡ لَا اُنۡزِلَ عَلَیۡهِ ءَایَةٌ مِّنۡ رَّبِّهٖ فَقُلۡ اِنَّمَا الْغَیۡبُ لِلّٰهِ فَانۡتَظِرُوۡا اِنۡیۡ مَعۡكُمۡ مِّنَ الْمُنۡتَظِرِیۡنَ (۲۰)</p>

و می‌گویند: چرا معجزه‌ای [که ما می‌خواهیم] از جانب پروردگارش بر او نازل نمی‌شود؟ بگو: علم غیب تنها از آن خداست، [شما که بهانه‌جویی می‌کنید] پس منتظر باشید که من هم با شما از منتظرانم.

وَ إِذْ أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسْتَهْمٍ إِذْ لَّهُمْ مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُوبُونَ مَا تَمْكُرُونَ (۲۱)

و چون مردم را پس از آسیبی که به ایشان رسیده رحمتی بچشاییم، به ناگاه آنها را می‌بینی که در آیات ما مکر و بداندیشی می‌کنند. بگو: مکر خدا سریع‌تر است، و مسلماً رسولان ما (فرشتگان) آنچه مکر می‌کنید می‌نویسند.

هُوَ الَّذِي يُسَبِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي الْفُلِكِ وَ جَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَ فَرِحُوا بِهَا جَاءَهَا رِيحٌ عَاصِفٌ وَ جَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ بِهِمْ دَعَوُا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْنَا مِنْ هَٰذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ (۲۲)

او کسی است که شما را در خشکی و دریا سیر می‌دهد، تا وقتی که در کشتی باشید و به سبب بادی خوش [و موافق] آنها را به حرکت در آورد و به آن شاد گردند، ناگهان طوفان سختی بر آنها بوزد و موج از هر طرف بر آنها بتازد، و بدانند که در محاصره افتاده‌اند، در آن حال خدا را پاکدلانه می‌خوانند که اگر ما را از این بحران برهانی، قطعاً از سپاسگزاران خواهیم شد.

فَلَمَّا أَنْجَيْنَاهُمْ إِذْ هُمْ يُبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا بَغَيْتُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ مَتَاعَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ (۲۳)

پس همین که نجاتشان داد، ناگهان در زمین به ناحق سرکشی می‌کنند. ای مردم! سرکشی شما فقط به زیان خود شماست. تنها بهره‌ای [کوتاه] از زندگی دنیا می‌برید و عاقبت بازگشت شما به سوی ما خواهد بود، پس شما را از آنچه انجام می‌دادید با خبر خواهیم کرد.

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَ الْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَ ازْيَنْتْ وَ ظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ عَلَيْهَا أَتْنَاهَا أَمْزَنًا لَّيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن لَّمْ نَغْنِ بِالْأَنْسِ كَذَٰلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ (۲۴)

در حقیقت مثل زندگی دنیا مثل بارانی است که از آسمان نازل کردیم، پس گیاهان زمین از آنچه مردم و چهارپایان می‌خورند با آن در آمیخت، [و سیراب شد] تا چون زمین رونق و زینت خود را گرفت و صاحبان زمین احساس کردند که محصولات را در چنگ خود دارند، [به ناگاه] فرمان ما شب هنگام یا در روز در رسید و آن را چنان درو کردیم که گویی دیروز هیچ چیز نبوده است. ما این گونه آیات خود را برای مردمی که می‌اندیشند شرح می‌دهیم.

وَ اللَّهُ يَدْعُوا إِلَىٰ دَارِ السَّلَامِ وَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ (۲۵)

و خداوند به سرای سلامت [و بهشت] می‌خواند و هر که را بخواهد به راه راست هدایت می‌کند.

- آیه ۱۵:

- انسان بخواهد آیات و بینات مطابق آن چیزی باشند که او می‌خواهد و می‌پسندد ...
- انسان بخواهد آیت‌های الهی و سخنان رسول، آن‌گونه باشد که او تعیین می‌کند و انتظار دارد ...

- آیا او انتظار دارد وحی در چارچوب فکری و نظری او باشد؟

- آیه ۱۶:

✓ سنت: حقیقت و قانون است یعنی قابل تغییر نیست.

✓ سیره: روش و زندگی خاص آن معصوم یا پیامبر است یعنی قابل تغییر است.

- آیه ۱۷: احدی در عالم ظالم‌تر از افترا زنده نیست. «افترا زدن» یعنی رابطه پیامبر را با وحی منقطع دانستن. قطعاً این افراد به فلاح

نمی‌رسند. (فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ (۱۷))

- آیه ۱۸: یکی دیگر از ریشه‌ها نیز این است که عبادت غیر خدایی را دارند که نه به آنها نفع می‌رساند و نه ضرر. یعنی سرسپردگی برای غیر خدا دارند.

- آیه ۱۹: انسان‌ها از ابتدا قرار بوده است «امت واحده» باشند و سرشت آنها بر «فطرت» است. فطرت حقیقتی ثابت و یکپارچه است

و علی‌القاعده قرار است انسان‌ها از ابتدا امت واحده باشند و این نشان می‌دهد که ریشه اختلاف در فطرتشان نیست بلکه در طبیعتشان است.

- در قیامت اختلافات در طبیعت انسان‌ها، حتماً داوری خواهد شد.

- نکته مهم: هر عامل و اتفاقی که در عالم هستی اختلاف برانگیز باشد (به حَسَبِ امت واحده فطری)، حتماً توسط خدا مورد داوری و عقاب و عتاب قرار خواهد گرفت. ریشه‌شناسی این مسئله در سوره مبارکه یونس آمده اما نوع ابراز آن در سوره مبارکه توبه آمده است.

- مثال: ماجرای اختلافی که در جامعه توحیدی حضرت موسی (علیه‌السلام) بین افراد ایجاد شد، آن زمانی که حضرت به کوه طور می‌روند. وجود سامری و حس‌گرایی مردم باعث می‌شود که حضرت هارون (علیه‌السلام) برای جلوگیری از افتراق بین افراد و شکاف در جامعه، مجبور به سکوت می‌شوند. وجود سامری‌ها و غفلت مردم در جامعه بعد از رسول باعث می‌شود که امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) سکوت کنند.

- جنگ با یزید جنگ با ضد اسلام است. زیرا یزید انسانی مشروب‌خوار و ... بود. اما جنگ با معاویه، جنگ افرادی با برداشت‌های متفاوت از اسلام است.

- مبارزه با تفرقه‌ای که از شکاف در اسلام ایجاد می‌شود منجر به نابودی خود اسلام است.

- **توجه مهم:** ایجاد نشدن چنین شکافی در جامعه توحیدی از منظر قرآن چنان مهم است که حتی حضرت علی (علیه‌السلام) حجت ندارند که در جامعه به ظاهر توحیدی بعد از حضرت رسول بخواهند حق خود را بگیرند. وحدت در یک امت به توحید در یک امت اولویت دارد. جامعه بعد از حضرت رسول و یا زمان امام حسن (علیه‌السلام) جامعه‌ای است که ظاهر شریعت را رعایت می‌کنند.

- «تحقق امت واحده» اولویت اول همه انبیای الهی است.

- هر جایی امامی مظلوم واقع شود، انگشت اتهام رو به امت جامعه است، اگرچه خواص باطل مؤثرند، اما اگر غفلت امت و همراهی آنها نباشد، قطعاً چنین حاکمیتی به وجود نمی‌آید.

- آیه ۱۹: ریشه اختلاف طبیعتشان است. فطرتشان نیست. سبقت: این اختلاف رسیدگی می‌شود. مورد داوری و عقاب و عتاب قرار می‌گیرد. اختلاف افکنی در مسیر توحید حتماً مورد عتاب خداوند قرار می‌گیرد.

- ریشه‌شناسی‌اش در این سوره است.

- اما برخورد‌های مختلفش در سوره توبه است.

- در قیام امام حسین (ع)، امت واحده ← توحیدش، زیر سؤال رفت. اما در دوران حضرت علی (ع) و امام حسن (ع)، توحیدی بودنش زیر سؤال نرفت و امت بودنش بیشتر مورد نظر بود. در زمان امام حسن (ع) آنقدر غفلت مردم زیاد بود که امام جامعه کنار کشید. وگرنه امام می‌خواست، بجنگد.

- آیه ۲۰: هر پدیده‌ای جنبه ملکوتی و دنیایی دارد: جنبه ملکوتی، «آیه» است. جنبه دنیایی، «متاع» است.

- برای آنکه جنبه متاع بودن پدیده از جنبه آیه بودن آن تفکیک داده شود، باید پدیده را بدون زمان و حالت ماندگار آن، در نظر گرفت.

- آیه ۲۱: مکر در آیات ← آیه را از آیه بودن بیندازد و عوض کند؛ یعنی آیه بودنش را فهمید، اما بعد برداشت را عوض می‌کند و آیه نمی‌بینید.

سرف: عملی که از آن و از حد عقلی اش، تجاوز شود، از حد استفاده از نظر عقل.

آیه ۲۲: «مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ». دین یعنی کلّ روش را می فهمم. به تفصیل می فهمد. خود دین را می فهمد؛ یعنی جلوی چشمش می آید که همیشه در زندگی کارهایی را کردم که بد بوده است. به صورت جزئی می فهمد. آدمها در حال «ضُرِّ» جزئیات را می فهمند، نه فقط

کلیات را

حالت:

✓ اخلاص کامل.

✓ حالت اخلاص لحظه ای (در یک لحظه حاصل می شود).

متاع ← بهره مندی و تمتع: آنچه از دنیا که مورد استفاده دنیایی قرار می گیرد. استفاده دنیایی انسان از هر چیزی.

- «متاع» یا متاع می ماند یا تبدیل به وسیله می شود. متاع به خودش بد نیست.

بغی ← ظلم اجتماعی .

آیه ۲۴: تمام گناهان را می توان با یک تکنیک حل کرد. در هنگام عمل فکر کند، بعدش چه می شود. عاقبتش چه می شود.

- جنبه های هر پدیده:

✓ ملکوت: آیه

✓ دنیا: متاع

- برای اینکه جنبه متاع بودن پدیده، از جنبه آیه بودن آن تفکیک داده شود، باید پدیده را بدون زمان و حالت ماندگار آن، در نظر گرفت.

زنگ دوم:

حضرت علامه آیات ۲۶ تا ۳۰ را دسته چهارم آیات در نظر گرفته اند:

دسته چهارم آیات ۲۶ تا ۳۰:

* لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْخُسْفَىٰ وَ زِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ (۲۶)

برای آنان که کار نیک کرده اند عاقبت نیکوتر و بیش از آن هست، و سیاه رویی و خواری چهره هایشان را نمی گیرد. آنها اهل بهشتند و در آن جاودانه خواهند بود.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَ تَرَهُمْ ذُلًّا مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا

خَالِدُونَ (۲۷) و کسانی که کارهای بد کردند، جزای هر بدی همانند آن است و خواری آنها را فرا می گیرد. در مقابل خدا هیچ کس حامی آنها نیست. چنان شوند که

گویی چهره هایشان با پاره هایی از شب ظلمانی پوشیده شده است. آنها اهل آتشند و در آن جاودانند.

وَ يَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَ شُرَكَاءُكُمْ فَزَلَّلْنَا بَيْنَهُمْ وَ قَالَ شُرَكَاءُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ (۲۸)

و روزی که همه آنها را گرد می آوریم، آن گاه به کسانی که شرک ورزیده اند می گوئیم: شما و خدایانتان بر جای خود باشید، آن روز رابطه ای را که بین آنان و خدایانشان برقرار بود (و جز خیال و توهم چیزی دیگر نبود) قطع خواهیم کرد، و خدایانشان خواهند گفت: شما در حقیقت ما را نمی پرستیدید، (چون معیار پرستش در ما وجود نداشت، و شما خیال خود را می پرستیدید)

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ (۲۹)

و خدا به شهادت میان ما و شما کافی است. حقیقتا ما از عبادت شما بی خبر بودیم.

هٰنَالِكَ تَبْلُو كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقَّ وَ ضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ (۳۰)

آن جاست که هر کسی آنچه را از پیش فرستاده است باز یابد و [همه] به سوی خدا، مولای حقیقی خود بازگردانده شوند و آنچه به دروغ می ساختند از دستشان برود.

- آنچه را که در جلسات قبل در سوره مبارکه یونس بیان شد در این آیات (خصوصاً آیه ۲۶) به بیانی دیگر آمده است که بسیار مهم است. البته این بیان در سوره مبارکه کهف نیز آمده بود، آنجا که درباره «أحسن عمل» سخن گفته شد. مباحثی مانند «دیدن آیات الهی»، «مؤثر ندیدن اسباب»، «تمایز بین آیه و متاع»، «توجه به بحث وحی شدن به فردی که ممکن است در کنار ما باشد».

- آیه ۲۶: برای تمام کسانی که اهل حُسن هستند، حُسن و زیادت خواهد بود.

- آیه ۲۷: کسانی که سینات کسب می کنند جزایی مثل آن خواهند داشت. برای اینها زیادت وجود ندارد. چهره آنها به ذلت خواهد افتاد. صورتشان مانند پاره‌ای از شب، تیره و تار خواهد شد.

- افراد یا بر اساس حسنه عمل می کنند و یا بر اساس سیئه.

- حُسن: ابراز یک موضوع یا واکنش نسبت به یک موضوع، به گونه‌ای که در راستای غرض حقیقی انسان باشد. به عبارت ساده‌تر یعنی مواجهه ما با یک موضوع بر اساس غرض حقیقی انسان باشد.

- وقتی می‌گوییم فلان چیز حُسن است به این معناست که اجزای آن در راستای غرض با هم هماهنگ هستند.

- «مسیر غیر حسنه»، ذاتاً ذلت آفرین است. «مسیر حسنه»، ذاتاً عزت آفرین است.

- اصل ذلت و عزت در عالم هستی، مبتنی بر حُسن و سوء است.

عزت

حسنة

سیئه

ذلت

حُسن: ابراز یک موضوع یا واکنش نسبت به یک موضوع به گونه‌ای که در راستای غرض حقیقی انسان باشد.

- آیه ۲۸: هر کسی خلاف غایت حقیقی عمل کند، شریک برای خدا گرفته است. «غایت حقیقی»، فقط خداست.

- در قیامت شرکاء ادعا می کنند که مشرکین ما را نمی‌پرستیده‌اند!! ضمناً می‌گویند: «خدا خبر دارد که مشرکین ما را نمی‌پرستیده‌اند. ضمناً ما اصلاً خبر نداشتیم که شما ما را می‌پرستیده‌اید». خدا هم حرف شرکاء را تأیید می‌کند.

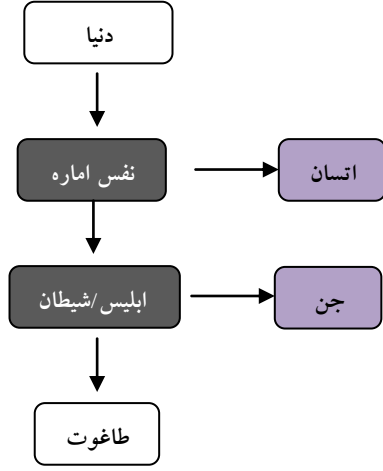
- صراحتاً در قرآن آیه‌ای داریم که «ذره‌ای از گناه مستضعفین را بر گردن مستکبرین نمی‌اندازیم» زیرا مستضعفین، مستضعف بودند اما علم داشتند، می‌توانستند قبول نکنند. به همین دلیل در اسلام اینقدر تأکید شده که مظلوم و ظالم هر دو در گناه ظلم شریک هستند البته منظور مظلومی است که از ترس ظالم با او مبارزه نمی‌کند.

- یعنی تمام آن چیزهایی که ما نسبت به آنها سرسپردگی داریم، اما خدا نیستند، حتماً یک روزی به ما این سخنان را خواهند گفت.

- **توجه:** هیچ کس نباید بپندارد که اگر شیطان نبود همه آدم‌ها رستگار می‌شدند زیرا با وجود شیطان، او مولد هر طاغوتی است و بدون شیطان، نفس اماره مولد هر شیطیتی است. وجود «نفس اماره» به خاطر طبیعت دنیاست.

- «شیطان»، کمک کننده «نفس اماره» است.

- توجه: ابلیس از جن است و نفس اماره برای انسان است، قدرت شیطانی انسان به مراتب از قدرت ابلیس، قوی‌تر است.



يا رسول الله دست ماراهم بكير

اللهم صل على محمد وآل محمد واحمد الله رب العالمين